

میدون و سوفیا

راه‌های رسیدن به جت



✈ **پوریا عالمی**

● بابای سوفیا می‌گوید: بی‌بی‌سی گزارش داده که یک کشیش و واعظ تلویزیونی در آمریکا به نام جسی دوبلانتیس گفته «خداوند از او خواسته است که هوایم‌های خصوصی از نوع جت فالکون ۷ ایکس خریداری کند». من می‌گویم: این آقای کشیش لابد اسم هوایم‌های خصوصی‌اش را هم می‌خواهد بگذارد «جت مقدس»!

بابای سوفیا می‌گوید: خاک تو سر تنگ چشمت. به تو چه؟

من می‌گویم: نه، خوشحالم، ولی ما اینجا هنوز با هوایم‌های سمپاشی جابه‌جا می‌شویم.

بابای سوفیا می‌گوید: تو همیشه بدبینی. مگر با ارت بابای تو می‌خواهد هوایم‌های شخصی بخرد؟ می‌گویم: پس لابد او هم یک سازمان و نهاد و تشکیلاتی برای خودش دارد و از بودجه ما مردم استفاده می‌کند. بیچاره بودجه.

بابای سوفیا می‌گوید: نخیر، چی‌کار به بودجه ما دارد؟ مگر هرجی ریخت‌پاش در دنیاست با بودجه ما انجام می‌شود؟ این کشیش عزیز از طرفدارانش خواسته ۵۴ میلیون دلار به او کمک کنند تا بتواند جت بخرد.

می‌گویم: شرط می‌بندم یک پنی هم بهش کمک نمی‌کنند.

بابای سوفیا می‌گوید: مالیدی. این مرد سه‌تا جت دیگر هم دارد که پول آن سه‌تا را هم طرفدارانش بهش داده‌اند.

می‌گویم: پس مد این آقاچه گرم. او به‌رحال یک کارآفرین خفن است. درواقع وقتی همه داشتند استارت‌آپ راه می‌انداختند تا پولش را از مردم بگیرند، او جای استارت‌آپ، کلیسا را انداخته و الان هم کارش گرفته. واقعا باریکلا دارد.

بابای سوفیا می‌گوید: تو کلا با پیشرفت مردم مخالفی میدون دوم، خاک‌توسرت.

می‌گویم: یعنی توی خارج اگر یکی نباید بگوید خدا به من گفته نیاز به هوایم‌های شخصی داری و باید پولش را از مردم بگیري، مردم بهش پول می‌دهند؟ بابای سوفیا می‌گوید: معلوم است. اولا که هر کسی نمی‌تواند این حرف را بزند. بعد هم تو به جت نیاز داری یا یک کشیش؟

می‌گویم: یعنی هیشکی توی آمریکا نبوده که دو خط از کتاب مقدس بیاورد که امکان ندارد خداوند متعال به یک آدم معمولی بگوید نیاز به جت شخصی دارد. آن هم مردم باید پولش را بدهند؟ و انجیل درباره طمع‌کاری افراد هشدار داده است؟

بابای سوفیا می‌گوید: اتفاقاً آدم‌های منفی‌نگر و گمراهی مثل تو همه‌جای دنیا هستند. آقای دوبلانتیس اتفاقاً در جواب انتقادات آدم‌هایی امثال تو بی‌شعور و نادان گفته: «اگر حضرت عیسی هم امروز در بین مردم حضور داشت، دیگر سوار چارپایان نمی‌شد».

سوفیا... سوفیا... این دوست عزیزِی که توی آمریکا یا هرجای دنیا می‌گوید خدا بهش گفته باید مردم خرش را بدهند و برایش جت خصوصی هم بخرند، هیچ گناهی ندارد. طفلک آن عزیزانی که واقعا به این کشیش گران‌قدر پول کارت‌به‌کارت می‌کنند تا ۵۴ میلیون دلار جمع شود و برود برای خودش هواپما بخرد. قربان، توی عاشقِ جت‌ندیده تو؛ میدون دوم.

زیر آسمان

جنگ داخلی در خانواده کندی

فرزندان سناتور بابی کندی بر سر پرونده ترور او در سال ۱۹۶۸ با یکدیگر درگیر شده‌اند. رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند که بحث افتتاح پرونده قتل اسنای سیاست‌مدار آمریکایی بعد از ۵۰ سال، خانواده او را به جناح‌های مخالف تقسیم کرده و به نوعی جنگ و دعواي حقوقی واداشته است. به نوشته واشنگتن‌پست، کاتلین کندی تاوانشد، دختر رابرت اف‌کندی (رئیس‌جمهور آمریکا که در سال ۱۹۶۳ ترور شد) و برادرزاده بابی کندی، همراه با برادرش رابرت اف‌کندی، جوینور، خواستار تحقیقات تازه درباره پرونده سال ۱۹۶۸ شده‌اند. رابرت جونور بعد از آنکه شخصاً شواهد مربوط به فرد متهم به قتل را بررسی کرده که سیرهان نام دارد و اردنی -فلسطینی‌تبار است و در زندان ایالتی کالیفرنیا به‌سر می‌برد، گفته که این شخص بی‌گناه است و بی‌دلیل پشت میله‌های زندان است. در همان حال جوزف پی. کندی دوم و کری کندی، دو نفر از فرزندان بابی کندی، با این اقدام مخالفت کرده‌اند. جوزف که قبلاً نماینده کنگره از ایالت ماساچوست بوده، در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «درحالی‌که به پنجاهمین سالگرد درگذشت پدرم نزدیک می‌شویم، به‌نظر مهم‌ترین چیز این است که کشور ما و خانواده ما درباره آنچه پدرم نماینده‌اش بود و برایش می‌کنید، تعمق کنند و این میراث عبارت است از: صلح جهانی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی». کری نیز که ریاست مرکز عدالت و حقوق بشر رابرت اف‌کندی را برعهده دارد، گفته است: «دلیل اینکه مردم به چگونگی مرگ پدرم علاقه‌مندند، همان کارهایی است که در دوران حیاتش انجام داده و من فکر می‌کنم باید به زندگی او توجه کنیم و زیاد بر مرگ او متمرکز نشویم».

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۷ « ۱۸رمضان ۱۴۳۹ ۲ ژوئن ۲۰۱۸ سال پانزدهم » شماره ۲۱۶۴ « ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۷ • اذان صبح فردا ۴:۰۵ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

آر‌وین

arvinmad@gmail.com



تجربه دیگران

حمایت دانشگاه از دانشجو در موارد سوءرفتار جنسی

سوفیا کوک، دانشجوی دکتری روان‌شناسی از دانشگاه کمبریج، در مقاله‌ای با عنوان «لام است دانشگاه‌ها از دانشجویان در موارد سوءاستفاده جنسی در روابط صمیمانه حمایت کنند»، در روزنامه بریتانیایی گاردین نوشته است: سوءرفتار از جانب شریک نزدیک (یا IPA) موردی به‌شدت آسیب‌زا، بسیار خطرناک و بسیار رایج است.

از هر چهار زن، یک نفر در طول زندگی خود این مسئله را تجربه می‌کند و بسیاری از مردان نیز با آن مواجه می‌شوند. هر هفته در انگلستان و ولز، دو زن از سوی همسران فعلی یا قبلی خود به قتل می‌رسند و سه زن در نتیجه موارد IPA خودکشی می‌کنند. از سال ۲۰۱۵ میلادی که پلیس رسیدگی به این مسئله را یک اولویت قرار داد، در جامعه انگلستان به این مسئله توجه شده است، اما دانشگاه‌ها از این حرکت عقب مانده‌اند.

گروه سنی‌ای که بیش از همه تحت تأثیر IPA قرار دارند، گروه ۱۶ تا ۲۴ سال هستند؛ گروهی که اکثر دانشجویان در آن قرار می‌گیرند. در دانشگاه کاردیف از ماه اکتبر (مهر) سال گذشته تاکنون ۴۳ مورد در آمار مربوط به حوادث IPA ثبت شده و چندین مورد در محافل دانشجویان در چند سال اخیر بسیار سروصدا کرده است. با این حال، حتی با معطوف‌شدن نگاه‌ها به مسئله سوءاستفاده و آزاروایدت در ماه‌های اخیر، در اکثر دانشگاه‌ها هنوز درباره IPA صحبت نمی‌کنند. این مسئله با وجود رواج بسیار به‌طور گسترده‌اش هنوز به‌درستی درک نشده است. بسیاری فکر می‌کنند که فقط خشونت فیزیکی دراین‌باره مطرح است و به این ترتیب فکر می‌کنند: «اگر کسی مرا تکت بزند، از رابطه خارج می‌شوم». اما واقعیت پیچیده‌تر از این است. معمولاً IPA ترکیبی از بازی با عواطف، کنترل و تلاش خود برای متقاعدکردن همسر است که دیوانه‌بودن خود را بپذیرد.

این ممکن است اعتمادبه‌نفس یک قربانی را به‌سرعت از بین ببرد و او را به سوءاستفاده‌گر وابسته کند. جداسازی از دوستان و خانواده نیز رایج است تا حدی که فرد قبول کند همسرش تنها کسی است که واقعا به او اهمیت می‌دهد. اغلب وقتی خشونت فیزیکی شروع می‌شود، آن‌قدر با عواطف قربانی بازی شده است که خود را مقصر می‌داند. او به دام افتاده و تنهاست. این مهم است که دانشگاه‌های انگلستان خطرات IPA را به دانشجویان بشناسانند و از

❖ **منبع: گاردین**

بابک زمانی

رئیس انجمن سگته مغزی

سال‌ها پیش در یک بخش مغز و اعصاب فرانسه، درحال گذاشتن یک الکترود تحریک‌کننده در مغز یک بیمار پارکینسونی بودند که ناگهان او به‌شدت برآشفته شد، هیجان‌زده فریاد می‌کشید و گریه می‌کرد. گفتند چه شده؟ گفت این اتاق و همه شما به‌شدت ترسناک و دلهره‌آور هستید. معلوم شد سر سوزن به‌جای منطقه مربوط به پارکینسون به هسته خشم و ترس وارد شده است!ا وقتی خواستند خطا را اصلاح کنند، بیمار شروع به خندیدن و شادی کرد. معلوم شد اتاق و پزشکان به‌شدت مضحک و خنده‌دار شده‌اند. بله این‌بار هم خطا کرده بودند و سر سوزن وارد هسته نشاط در همان نزدیکی شده بود! تا پیش از آن تاریخ همه می‌دانستند که واکنش ما به مسائل متناسب با شدت آنها نیست و رنگی از خلقیات خود ما را به خود می‌گیرد. اما این برای اولین‌بار بود که مشاهده شد چگونه وضعیت درونی یک نفر اساسا رنگ و معنای واقعیات و تحریکات بیرونی را به‌شدت تغییر می‌دهد. وقتی به خشم می‌آییم، دانستن اینکه شدت آن خشم و تعبیر ما از رویدادها به روحیات و تجربیات ما ارتباط دارد و آنچه از آن عصبانی هستیم گاه فقط بهانه‌ای بیش نیست، ممکن است

دور دنیا

ما قورباغه می‌خوریم

پاک سول از پلکان پایین می‌آید و برای اولین‌بار در ۱۹ سالگی با م‌ترووی سنول، پایتخت کره جنوبی، می‌گذارد که نقشه سیستم حمل‌ونقل آن از پیچیدگی به کاسه اسپاگتی شبیه است. وقتی نگاهی می‌اندازد، احساس اضطراب و دستپاچگی می‌کند و از خبر استفاده از آن می‌گذرد.

این از لحظه‌هایی است که بسیاری از پناهنده‌های کره شمالی پس از ورود به جنوب تجربه می‌کنند. خرید، استفاده از دستگاه کارت‌خوان و حتی درک لهجه جنوبی که جاشنی کلمات عامیانه انگلیسی را دارد نیز؛ از چالش‌های عظیم برای آنهاست. پاک که اواخر سال ۲۰۱۶ وارد سنول شده است، می‌گوید: «چیزی که دیدم وقتی به کره جنوبی آمدم، گیج‌کننده بود. کره شمالی و کره جنوبی کاملاً متفاوت هستند. من به‌هیچ‌وجه نمی‌دانستم کارت اعتباری چیست؛ چیزی که هر روز اینجا از آن استفاده می‌شود». پاک، قاقاچی و از طریق چین از کره شمالی خارج شد و در نهایت از یک خانه امن در تایلند سر درآورد که آنجا برای اولین‌بار به وجود اینترنت پی برد و سربال‌های تلویزیونی کره جنوبی را دید. این اولین مواجهه پاک با جامعه کره متفاوت از آنچه پیش‌تر می‌شناخت، بود و بلافاصله جذب آن شد. پاک یکی از دانش‌آموزان مدرسه یومیونگ در سنول است که حدود صد دانش‌آموز از کره شمالی دارد. این مکان برای آن طراحی شده است که به افراد تازه‌وارد به جامعه کره جنوبی آموزش بدهد. ماوریت مدرسه این است که هم طیفی از مسائل استاندارد را آموزش دهد و هم مشکلاتی را که در جذب‌شدن به جامعه جدید وجود دارد، برطرف کند و همچنین مدرسه امیدوار است که دانش‌آموزانش پیشگامان اتحاد احتمالی دو همسایه باشند. لی هونگ- هون، مدیر مدرسه، می‌گوید: «ما می‌خواهیم پس از متحدهشن، مدلی برای آموزش‌وپروورش کره شمالی باشیم. همچنین از دانش‌آموزان خود می‌خواهیم به نیروی برای اتحاد تبدیل شوند و فعالانه در جنبش شرکت و پیام آن را فراگیر کنند».

این مدرسه همچنین بیانگر تفاوت فضای ذهنی شهروندان عامی شمال و جنوب است که بیش از شش دهه از هم جدا هستند. در یک جلسه از کلاس رشته‌شناسی در مدرسه، غیر از مواد درسی، باید درباره اینکه چرا امتحان ورود به دانشگاه اهمیت دارد هم بحث می‌شد. لابه‌لای شوخی‌ها و بازیگوشی‌های نوجوانان لحظه‌ای پیش آمد که گویای معضلاتی بود که آنان را به فرار واداشت. هنگامی که معلم انواع مختلف گونه‌های جانوری را توضیح می‌داد، عکسی از قورباغه روی پرده نمایش داده شد. دانش‌آموزی گفت: «ما قبلا این را می‌خوردیم، چون در کره شمالی خیلی گرسنه بودیم- فقط پاهای پشتی‌اش را نمی‌خوردیم، همه‌اش را می‌خوردیم، خیلی خوشمزه است». او جمله‌اش را بدون احساس خاصی بر زبان آورد، اما همین نکته افشاگر سختی‌هایی بود که همتایانش در کره جنوبی به هم‌عشان تجربه نکرده بودند.

هوانگ هویی-گان، معلم مدرسه، می‌گوید: «شاید آنها در طول روز لیخند بزنند و بخندند، ولی شب‌ها کاپوس رهاشان نمی‌کند. درعین‌حال نمی‌توانند درباره‌اش صحبت کنند، خیلی دردناک است».مدرسه هر است از پوست‌هایی حاوی اشعار انگلستان و همچنین جمله‌های مذهبی، بعضی از دانشجویان مجبور به ترک مدرسه و یافتن کار با هدف ارسال پول برای اعضای خانواده در کره شمالی با تلاش برای آوردن آنها به جنوب هستند. به گفته مدیر مدرسه، «ساکنان کره جنوبی اغلب ناخواسته و از سر بی‌ملاحظگی به دلیل درنگ‌کردن مشکلات مردم کره شمالی به آنها توهمین می‌کنند».

آکادمی

هسته خشم

می‌توانند با ابعادی تصاعدی و انفجاری افزایش یابند، بیش از این تحریک نشوند. همه امکانات برای رعایت حقوق جنایت‌کار فرضی و بررسی نقش عوامل مختلف فردی و اجتماعی در آن لحاظ شود. رعایت حقوق بشر نه در رعایت حقوق و تحسین قهرمانان که در رعایت حقوق سیاه‌کاران و منحرفان خود را نشان می‌دهد چراکه اینها هستند که جز این حقوق چیزی ندارند و این وظیفه است که به معنای مدرن روشنفکری به معنای توان فرارویدن از کفتمان رایج نزدیک‌تر است.

حقوق بشر، حقوق کودک و تقبیح آزار جنسی اصول آشکاری هستند که نیاز به مصداق ندارند. مسائل اجتماعی و تلاش در راه آرمان‌های سیاسی هم بیش از همه از طریق ساماندهی مؤسسات و فعالیت‌های اجتماعی می‌گذرند، نه از آتشفشان‌هایی این چنینی از پنبه و گاه که زود فرومی‌نشینند. چنین مصداق‌هایی هم فقط پس از بررسی دقیق و همه‌جانبه پرونده می‌توانند بر تحولات آتی مؤثر بیفتند. پس بهتر آن است که عرصه دادگاه را از گروه‌ها و کانال‌ها جمع کرده و به آن‌سوی دره‌های دادگاه، آنجا که در خفا حتی عکس هم جای خود را به نقاشی می‌دهد، بسپاریم. به سیاهکار گوشزد کنیم می‌تواند بدون مشورت با وکیل حرفی نزند -حداقل در فیلم‌ها و سربال‌ها که دیده‌ایم- و عرصه را به نبرد قاضی و وکیل بسپاریم. باید پرسید کدام وکیل یا کدام وکلا حاضرند در چنین شرایطی وکالت چنین سیاهکاری را بپذیرند؟

تحلیل

درها برای خانواده‌های آسیب‌دیده بسته نیست

اما از منظر حقوقی

حادثه مذکور در چند حالت قابل بررسی است: الف- به‌لحاظ ماهیتی ممکن است سه اتفاق رخ داده باشد. لواط- تفخیز- انتشار تصاویر مستهجن ب- از حیث شکلی برابر قانون آیین دادرسی کیفری نحوه رسیدگی به جرائم مذکور چگونه است؟

الف- از حیث ماهیت.

۱- الف- لواط: در قانون مجازات اسلامی لواط عبارت است از: قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۳۳- دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دُبر انسان مذکر است.

۲- الف- تفخیز: در ۲۳۵ همان قانون عبارت است از قراردادن اندام تناسلی فرد بین ران‌ها یا نیم‌نگاه انسان مذکر

۳- الف- انتشار تصاویر مستهجن

مطابق ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای، هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را تولید و ارسال و منتشر و

توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال با انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. مطابق بند الف ماده ۱۵ قانون ذکر شده در بالا، چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتوای مستهجن آنها را ترغیب، تحریک یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا ۲۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات ممکن می‌شود.

ب- از منظر شکلی و مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، نحوه رسیدگی به جرائم مذکور چگونه است؟

۱- ب- در خصوص نحوه رسیدگی باید گفت چون مطابق ماده ۲۲۷ قانون پیش‌گفته اصل را بر عدم صدور قرار بازداشت نهاده، اما درخصوص قضیه حاضر در صورتی که دلایل و قرائن بر توجّه اتهام (لواط) به متهم نماید، مطابق بند الف همان ماده صدور قرار بازداشت برای متهم جایز است.

و مطابق ماده ۳۰۲ همان قانون، رسیدگی به اتهام وی (در صورت وقوع لواط) در دادگاه کیفری یک صورت می‌گیرد.

۲- ب- رسیدگی به جرائم متهم حاضر مطابق ماده ۳۵۲ قانون ذکر شده در بالا غیرعلنی است آن‌گونه که بند الف ماده موضوع می‌گوید.

در امور خانوادگی و جرماتی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه باشد، پس از صدور قرار غیرعلنی‌بودن به صورت محرمانه برگزار می‌شود.

۲-ب- ادله اثبات اتهام

درخصوص اتهام مربوطه مطابق مادتن ۱۷۲ و ۱۹۹ قانون آ.د.ک با چهار بار اقرار یا چهار شاهد مرد قابل اثبات است.

در ماده ۲۱۱ قانون پیش‌گفته، علم قاضی هم می‌تواند مثبت اتهام باشد اما علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات یتن که نزد قاضی مطرح است. به عبارتی در صورتی که اقرار و شهادت شهود وجود نداشته باشد، قاضی می‌تواند چنانچه از مستندات، قرائن و امارات موجود در پرونده به صورت روشن و شفاف تعیین نماید که جرم حادث گردیده می‌تواند برابر علم خود به صدور حکم مبادرت ورزد. **نتیجه:** به توجّه به اینکه تاکنون از وقوع حادثه اطلاعات و تحقیقات صورت‌گرفته اطلاعی در دست نیست، نمی‌توان به صورت یقینی درخصوص وقوع یا عدم وقوع و چگونگی آن اظهارنظر نمود، اما آنچه که باید دقت کرد این است که متهم و خانواده وی نیز دارای حقوقی هستند، بنابراین نباید دچار احساس ناشی از تأثر شدید واقعه شد و به‌جای مجازات متهم، آرام و حیثیت خانواده‌وی را - به‌عنوان مثال با اعلام نام و مشخصات متهم - در معرض مجازات قرار داد.